



در نتیجه مبارزات قهرمانانه مردم ایران و تأثیر سیاست دفاع از حقوق بشر جیمی کارتر بر حکومت وابسته شاه، در اواسط دهه پنجاه، از شدت فشار و اختناق حاکم بر جامعه‌ی ایران تا حدودی کاسته شد: ناظران دفاع از حقوق بشر اجازه یافتند به طور محدود از زندان‌های ایران بازدید کنند، سانسور مطبوعات تا اندازه‌ای کاهش یافت و در مجموع، فضای نیمه باز سیاسی فرصت داد تا مدافعان حقوق بشر و تلاشگران سیاسی ایران امکان بیان آراء خود را بدست آورند. جوانان پر شور و مبارز کردستان نیز، که در طول بیست و پنج سال مجال بیان عقاید خود را نداشتند، از این فرصت استفاده کردند و به مناسبت‌هایی، در شهرهای مختلف کردستان به برگزاری تظاهرات پرداختند. این تظاهرات خیابانی، از همان بدو کار، رنگ خاص کردستانی داشت. در بسیاری شهرهای ایران، بویژه پس از نمایش قدرت مردم تهران در روز تاسوعای سال ۱۳۵۷، این روحانیون شیعه بودند که غالباً رهبری تظاهرات مردم را به عهده داشتند و در نتیجه، اعتراضات توده‌ای به تدریج رنگ مذهبی به خود می‌گرفت. اما حرکات اعتراضی مردم در کردستان خصلتی دموکراتیک و آزادی‌خواهانه داشت. دختران و زنان کرد همراه مردان، فریاد آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی سر می‌دادند.

اندک زمانی پیش از سقوط رژیم سلطنتی، بر بستر شوراهای مختلف محلات در شهرهای کردنشین، شوراهای شهر تشکیل گردید. این شوراها تظاهرات و اجتماعات مسالمت‌آمیز مردم را هدایت می‌کردند و حفظ نظم آنها را به عهده داشتند. سازمان‌های سیاسی کردستان که تا آن زمان در خفا فعالیت می‌کردند، کم‌کم علنی شده، شعارهای سیاسی و برنامه‌های اجتماعی خود را به میان مردم بردند، به گونه‌ای که در روز سقوط حکومت سلطنتی، بیشتر شهرهای کردستان در اختیار مردم و شوراهای منتخبشان بود. فضای سیاسی شهرهای کردستان به تمامی باز بود و هیچ محدودیت نا روا و نابجایی بر سازمان‌های سیاسی و اجتماعی تحمیل نمی‌شد. احزاب و سازمان‌های سیاسی به انتشار روزنامه و اعلامیه می‌پرداختند و فضای تسامح و تساهل بر محیط سیاسی سایه افکن بود.

پس از پیروزی انقلاب ایران، دولت موقت دست‌نشانده‌ی آیت‌الله خمینی و تابع شورای انقلاب در ایران برپا شد، شورائی که در آن روحانیون دست بالا را داشتند. اعضای این شورا و تا حدودی دولت موقت هم، از اینکه عواملشان سررشته‌ی کارهای کردستان را چون بقیه ایران در دست ندارند، غضبناک بودند و تدارک تغییر وضع منطقه را می‌دیدند.

این حقیقت زمینه ساز یورش نظامی بود که در روزهای پایان سال ۱۳۵۷ و اوایل سال ۱۳۵۸ سندهج را به آتش و خون کشید و تلفات بسیاری به بار آورد. از طرف آیت‌الله خمینی هیأتی مرکب از آقایان طالقانی، بهشتی، رفسنجانی و بنی صدر به سندهج اعزام گردید و هم‌زمان، وزیر کشور دولت موقت در معیت سخنگوی جمعیت کردهای مقیم مرکز و دو شخصیت کرد مقیم تهران به سندهج وارد شدند و مذاکراتی جدی برای پایان دادن به جنگ انجام گردید. در اثر پایداری نمایندگان مردم، اختیار اداره‌ی شهر به شورای منتخب مردم سپرده شد و بدین ترتیب آرامش به سندهج بازگشت.

انعکاس اخبار رویدادهای کردستان در سراسر ایران بسیار دامنه‌دار بود و مایه‌ی دلگرمی آزادی‌خواهان و طرفداران راستین دموکراسی گردید. سازمان‌های سیاسی کردستان به گسترش تشکیلات خود و تبلیغات وسیع در میان توده‌ها پرداختند و تمامی تلاش آن‌ها در این جهت بود که مبانی دموکراسی را هر چه استوارتر سازند. متأسفانه ملایان حاکم در تهران از این آرامش و فضای تسامح و تساهل سواستفاده کردند، اقدام به اعزام واحدهای نظامی به کردستان نموده، زمینه‌ی مساعدی برای درگیری‌های مسلحانه را با مردم زحمتکش کردستان به وجود آوردند. علی‌رغم تمام این تمهیدات نابکارانه، کردستان به صورت دژ استوار دموکراسی و مشعل فروزان آزادی سراسر ایران جلوه‌گر شد و کارگران و دانشجویان و روشنفکران و هنرمندان، دسته دسته از شهرهای دیگر ایران به کردستان روی می‌آوردند و نشریات خود را آزادانه منتشر می‌ساختند، به بیان نظریات خود می‌پرداختند و با گوشت و پوست خود مزایای استقرار دموکراسی را لمس می‌کردند.

این وضع برای ملایان حاکم در تهران غیرقابل تحمل بود، زیرا تا آن زمان دیگر در سراسر ایران از یک سو حزب‌الله کوچک و خیابان‌ها را قرق کرده بود و هیچ حزب و سازمانی امکان تظاهرات و لو در مقیاس محدود را نداشت و از سوی دیگر خمینی با عنوان کردن «وحدت کلمه»، در واقع باب بیان هر عقیده و نظر را از جانب هر فرد یا سازمان و حزب مسدود ساخته بود و آشکارا می‌گفت «اگر سی میلیون نفر بگویند آری من می‌گویم نه» (نقل به مضمون). در چنین اوضاع و احوالی بود که خمینی و همدستانش مقدمات اجرای یک پورش وسیع نظامی را به کردستان تدارک دیدند و منتظر بهانه‌ای بودند تا نقشه‌ی شوم خود را عملی کنند.

تمهیدات مقدماتی از سوی ارتجاع بالاخره فراهم شد و خمینی در روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ جهاد علیه کردستان را رسماً اعلام کرد. او از تمام مردم مسلمان (پیروان ولایت فقیه) خواست که به وظیفه‌ی شرعی خود، یعنی هجوم به کردستان و بر افکندن «بنیان کفر و الحاد» عمل کنند.

مصطفی چمران پرورده شده در سازمان امل لبنان همراه با آیت الله‌خالی جلال و دیگر سر دستگان باندهای مسلح رژیم به کردستان سرازیر شدند و جنگی تمام عیار را به مردم کردستان - که اکثریت آنان مسلمان بودند، تحمیل کردند. جهادگران شیفته ولایت فقیه در کردستان چنان جنایاتی مرتکب شدند که نظیر آن در جهان کمتر دیده شده بود. به دنبال اعلام جهاد خمینی و در تأیید آن، دسته‌دسته‌پیر و جوان را به جوخه‌های اعدام سپردند. پزشکان، کادر بیمارستانی و مجروحان از این جنایات مستثنی نبودند. در نرده، بدستور ملا حسنی و ظهیرنژاد، ساکنان روستاهای قارنا و قلاتان قتل عام شدند و همزمان، در زندان تبریزدهها زندانی سیاسی کرد شبانه بدون هیچ محاکمه‌ای اعدام گردیدند. دامنه‌ی قتل و شکنجه و جنایات ضد انسانی رژیم تدریجاً سر تا سر کردستان را فراگرفت، پاسداران رژیم هزاران انسان بی گناه را بی محابا به قتل رساندند و همه‌جنایاتی را که خود مرتکب شده‌بودند در کتابهای درسی مدارس به حساب ملت مظلوم کرد نوشتند و به‌خورد دانش آموزان ایران دادند تا بیشتر تخم نفاق و کینه را در میان آحاد ملت بیاشند.



آیا انتخاب تاریخ ۲۸ مرداد برای اعلام جهاد علیه مردم کردستان تصادفی بود؟

روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تاریخ مبارزات حق طلبانه‌ی مردم ایران به عنوان 'روز شوم' ثبت گردیده است. انتخاب این روز از سوی خمینی برای هجوم به کردستان هم، تصادفی نبود. خمینی آگاهانه و با علم به ماهیت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این روز را برای اعلام 'جهاد' علیه مردم کردستان انتخاب کرد. آخر مگر نه این بود که او کودتا را 'یک سیلی الهی به بنا گوش

مصنوق خوانده بود (نقل به مضمون) و این رویداد شوم را آگاهانه تقدیس کرده بود؟ آری او این روز شوم را با اعلام جهاد علیه کردستان باز تولید کرد و در نتیجه، مردم کردستان در روز ۲۸ مرداد دو بار به مسلخ فرستاده شدند. از تاریخ اعلام 'جهاد' تاکنون، هفته‌ای نبوده است که جوانان مبارز کرد در زیر شکنجه جان نداده باشند یا ناجوانمردانه توسط بیدادگاه‌های اسلامی اعدام و یا به دست مزدوران رژیم در خارج از کشور بویژه در کردستان عراق ترور نشده باشند. ترورهای مکرر روشنفکران و رهبران سیاسی خلق کرد نمونه گویا و فراموش ناشدنی این جنایات ضد بشری است و رأی دادگاه میکونوس آلمان دائر بر محکومیت سران طراز اول جمهوری اسلامی شاهد این واقعیت است.

ما امضا کنندگان این بیانیه، با احساس مسئولیت و برای بزرگداشت یاد هزاران انسان کرد قربانی تجاوزات رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ایران، جهانیان و وجدان‌های بیدار را در جریان این حقایق جانگداز قرار می‌دهیم و برای اینکه خاطره تلخ این جنایات به دست فراموشی سپرده نشود، پیشنهاد میکنیم که روز بیست و هشتم مرداد به عنوان روز عزای عمومی در کردستان اعلام گردد.

پیشنهاد می‌کنیم که امسال، و هر ساله در ساعت ۱۲ روز ۲۸ مرداد (به وقت ایران)، مردم کردستان شامل کارگران، دهقانان، کارمندان ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی، و بقیه اقشار جامعه در هر کجای دنیا که باشند دست از کار کشیده، دو دقیقه سکوت کنند. آنگاه برای نثار گل، به‌مزار جان باختگان راه آزادی رفته از خانواده شهدا دیدار بعمل آورند و بدین ترتیب یاد همه‌جان باختگان در راه آزادی و حقوق بشر در کردستان را زنده نگاه دارند.

ما از مردم ایران و احزاب و سازمان‌های سیاسی و رسانه‌های جمعی درخواست می‌کنیم که با ما هم صدا شده این اقدام را تایید و از مردم و هوادارانشان بخواهند که همراه مردم کردستان، این ادای احترام را با دو دقیقه سکوت به مورد اجرا بگذارند!

آزادی‌خواهان سراسر جهان! سازمان‌های مدافع حقوق بشر! وجدان‌های بیدار! بشریت ترقی‌خواه! با پشتیبانی از این حرکت اعتراضی، در کنار ملتی مظلوم و حق طلب قرار می‌گیرید که ده‌ها سال است قربانی تجاوز و انواع جنایات ضد بشری جمهوری اسلامی ایران شده است. مردم کردستان مانند دیگر ملل، حق دارند از حقوق انسانی شناخته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد برخوردار گردند. همراه با مردم کردستان در روز عزای عمومی، نشان دهید که حقوق بشر میتواند و باید شامل سراسر جهان و همه ملت‌ها باشد.

امضا کنندگان:

صارم الدین صادق وزیری - باقر مومنی - دکتر حسین خلیقی - هاشم کریمی - غنی بلوریان - عزیز ماملی - پرفسور آلان دیلانی - انور سلطانی - یوسف اردلان - دکتر سهیلا قادری - نجم الدین غلامی - ناصر رزازی - رشید فیض نژاد - کالی آنتی - ناهید بهمنی - دکتر محمد رحیمی - علی مهرپرور - دکتر کامران امین آوه - رشاد مصطفی سلطانی - ایران نسیمی
گلاویز حیدری - زبیده (زبی) ذبیحی - ملکه مصطفی سلطانی - جمیل محمدی (جمیل نوره) - جعفر تیکان تپه
سیامند معینی - هوشنگ ختمی - آسو صالح - شهلا دباغی - صدیقه نبوی - عطیه معمارپور - شیدا معمارپور - خلیل حواری نسب - حسن درزی - معروف کعبی - مصطفی مدرسی - عبدالعلی سنجابی - آزاد سقزی - نادر فتحی - کریم دانشیار - احمد بهرامی - ابراهیم فرشی - رحیم بهرام زاده - جمعیت کردهای مقیم فرانسه و

در صورت تمایل به امضا اینجا را کلیک کنید: <http://www.ipetitions.com/petition/28Mordad1358>